

استفاده کنند. احتمالاً دفع الوقت می‌توانست با همراهی فضای داخلی و خارجی ایجاد شده به وسیله‌ی دولت آمریکا و عراق و ارتجاع منطقه علیه انقلاب اسلامی و نیروی مذهبی، مسیر شکل‌گیری محتوای نظام جمهوری اسلامی را به سوی دیگر هدایت نماید. البته باید اذعان داشت که برخی از شخصیت‌های متمایل به تشکیل مجلس مؤسسان نیز واقعاً با قصد خیر و با نگاهی کارشناسانه خواهان چنین چیزی بودند. در عین حال در ظاهر نوعی اتحاد بین همه‌ی نیروهای طرفدار مجلس مؤسسان وجود داشت.

علاوه بر برخی از اعضای شورای انقلاب و دولت موقت،^(۱) حزب خلق مسلمان^(۲) و آیت‌الله شریعتمداری،^(۳) سازمان مجاهدین خلق،^(۴) جبهه‌ی ملی،^(۵) کانون وکلای دادگستری^(۶) و بسیاری دیگر از شخصیت‌های لیبرال، چپ و التقاطی از تشکیل مجلس مؤسسان حمایت کردند.^(۷)

بالاخره نظر واسطی به‌طور موقت به جدال دو گروه خاتمه داد. بر طبق این پیشنهاد، مجلسی برای بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی، معروف به خبرگان، از تعداد کمتری نمایندگان ملت تشکیل می‌شد و در کوتاه‌ترین زمان ممکن (که در قانون مربوطه ۳۰ روز برآورد شده بود) قانون اساسی را بررسی و متن را برای همه‌پرسی آماده می‌کرد. این نظر که حاصل جلسه‌ی مشترک شورای انقلاب و دولت موقت در حضور امام (ره) بود، توسط حضرت امام (ره) به دولت موقت فرمان داده شد:

«... طرح قانون اساسی را که شورای طرح‌های انقلاب مشغول تدوین و تکمیل آن هستند با سرعت تکمیل و به تصویب شورای انقلاب رسانده و هر چه زودتر

۱. همان، ص ۱۱۶. (برخی از این افراد عبارت بودند از: مرحوم مهندس بازرگان، مرحوم دکتر بدالله سبحانی،

دکتر ابراهیم یزدی، دکتر احمد صدر حاج‌سیدجوادی، مهندس هاشم صباغیان و ابوالحسن بنی‌صدر)

۲. اطلاعات، ش ۱۵۸۶۸، ۱۳۵۸/۳/۱۰، صص ۹ و ۱

۳. اطلاعات، ش ۱۵۸۷۵، ۱۳۵۸/۳/۲۰، ص ۱۱

۴. همان، ص ۱۲

۵. اطلاعات، ش ۱۵۸۶۷، ۱۳۵۸/۳/۹، ص ۷

۶. اطلاعات، ش ۱۵۸۶۸، ص ۸

۷. اطلاعات، ش ۱۵۸۸۸، ۱۳۵۸/۴/۲، ص ۸

در اختیار افکار عمومی بگذراید تا همه‌ی صاحب‌نظران و تمامی اقشار ملت در مدت محدودی که تعیین می‌نمایند پیشنهادها و نظرات خود را درباره‌ی آن ابراز نمایند و بنابر تصمیمی که با تبادل نظر با شورای انقلاب و دولت موقت گرفته شد، ترتیبی دهند تا مردم هر استان و هر یک از اقلیت‌های مذهبی نمایندگان صاحب‌نظر خود را به تعدادی که شورای انقلاب اسلامی و دولت تعیین می‌کنند انتخاب کنند و مجلس متشکل از نمایندگان مردم با توجه به همه‌ی پیشنهادها مفیدی که رسیده است، مواد قانون اساسی را به صورت نهایی بررسی و تنظیم نماید... پس از آن‌که این قانون اساسی در جمع نمایندگان صاحب‌نظر مردم مورد بررسی قرار گرفت، به رأی گذارده شود و طی یک همه‌پرسی نهایی همه‌ی آحاد ملت قبول یا رد خود را به‌طور مستقیم درباره‌ی آن ابراز نمایند و سعی شود که تمام این مراحل در اسرع وقت انجام گیرد تا با انتخاب رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس ارکان حکومت جمهوری اسلامی استقرار یابد.»^(۱)

به این ترتیب نیروی مذهبی یک قدم از رفراندوم بدون مجلس عقب‌نشینی کرد و سایر نیروها نیز به‌طور موقت به مجلس خبرگان رضایت دادند. در عین حال بخش‌هایی از نیروی لیبرال، چپ و التقاطی به تلاش خود برای بی‌اعتبارسازی وجهه و منویات نیروی مذهبی ادامه دادند. برای مثال حسن نزیه، عضو نهضت آزادی و دبیرکل حزب خلق مسلمان و مدیر شرکت نفت و رئیس کانون وکلای مرکز، با همکاری تشکل‌های همسوی خود کنگره‌ای چند روزه از وکلا تشکیل داد. جان کلام این کنگره‌ی سیاسی چیزی بود که از زبان نزیه بیان گردید:

«اگر ما فکر کنیم تمام مسایل سیاسی و اقتصادی و قضایی را می‌توانیم در قالب اسلامی بسازیم، آیات عظام هم می‌دانند این امر در شرایط حاضر نه مقدور است نه ممکن و نه مفید.»^(۲)

در حمایت از نزیه، دکتر مظفر بقایی کرمانی، رهبر حزب جمهوری خواه نیز اظهار داشت:

۱. اطلاعات، ش ۱۵۸۶۳، ۱۳۵۸/۳/۵

۲. اطلاعات، ش ۱۵۸۶۵، ۱۳۵۸/۳/۷، ص ۸

«اگر بخواهیم حکومت صدر اسلام، که ۱۴۰۰ سال از آن می‌گذرد الگوی حکومت و دولت امروز قرار دهیم، بدون شک اشتباه می‌کنیم... چون جمهوری اسلامی مورد تأیید مردم است ما هم با آن موافق‌ایم به شرطی که افراد متدین ارکان دولت باشند نه فقط جامعه‌ی روحانیت.»^(۱)

این موضع که مورد تأیید بسیاری از شخصیت‌ها و تشکل‌های نیروهای غیرمذهبی^(۲) قرار گرفت، با واکنش شدید فراگیرترین و بزرگ‌ترین حزب نیروی مذهبی مواجه شد. شهید بهشتی، دبیرکل وقت حزب جمهوری اسلامی، در موضعی شدید برضد سخنان نزیه اظهار داشت:

«... خیال کردید با یک کنگره‌ی چند صد نفری با نام دهان پر کن حقوقدان‌ها می‌توانید جامعه‌ی انقلابی ما را مرعوب کنید.»^(۳)

علاوه بر مردم که در حمایت از موضع حزب جمهوری اسلامی راه‌پیمایی‌هایی برگزار کردند، شهید مفتاح نیز اظهار داشت:

«این گفته ناشی از این جهت است که ما اسلام را درست نشناخته‌ایم و تصور کردیم اسلام در چند برنامه‌ی مذهبی خلاصه می‌شود، در حالی که اسلام تأمین‌کننده‌ی نیازهای اجتماعی انسان‌هاست و عامل موفقیت نهضت ایران همین اسلامی بودن بوده است.»^(۴)

به دنبال تحرکات نیروی مذهبی، نزیه طی عقب‌نشینی آشکاری اظهار داشت:

«هدف من از طرح مسئله این بود که قوانین اسلامی که باید پس از تصویب قانون اساسی وضع شود، با توجه به شئون آن در جمیع جهات و مسایل و با توجه به انعطاف‌پذیری قابل توجهی که داشته و دارد، باید همه‌جانبه مطالعه شود و به حقوقی تطبیقی برسیم که به آن وسیله از آنچه در احکام الهی آمده بهتر

۱. همان‌جا

۲. اطلاعات، ش ۱۵۸۷۰ و ۱۵۸۷۱، ۱۳ و ۱۴/۳/۱۳۵۸، صص ۱ و ۸ و ۱۲

۳. اطلاعات، ش ۱۵۸۶۸، ۱۰/۳/۱۳۵۸، ص ۱

۴. همان‌جا

برخوردار شویم»^(۱)

در عین حال سه نیروی غیرمذهبی تلاش کردند با زنده نگه داشتن موضوع مجلس مؤسسان، یا حتی الامکان از تشکیل مجلس خبرگان جلوگیری نمایند یا در صورت تشکیل این مجلس با حفظ و به دست گرفتن فضا، نمایندگان مطمح نظر خود را به مجلس بفرستند. به همین دلیل بود که از یک سو دکتر حسن نریزه تهدید کرد که انتخابات را تحریم خواهد کرد^(۲) و حزب متبوع وی (خلق مسلمان) اعلام داشت که در صورت به تعویق نیفتادن زمان انجام انتخابات، در انتخابات مجلس خبرگان شرکت نمی کند.^(۳) این موضع یا حمایت جبهه‌ی دموکراتیک ملی، جبهه‌ی ملی، حزب پان ایرانیست، گروه اشرف دهقانی و حزب کمونیست کارگران روبه‌رو شد؛^(۴) و از سوی دیگر برخی گروه‌های سیاسی غیرمذهبی مانند: سازمان مجاهدین خلق، جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما)، جنبش مسلمانان مبارز و گروه جنبش برای آزادی، برای شرکت در انتخابات ائتلاف نموده، فهرست مشترک انتشار دادند.^(۵)

در مقابل، نیروی مذهبی نیز در دو جبهه به مقابله پرداخت؛ ابتدا بر مضر بودن تشکیل مجلس مؤسسان تأکید کرد. برای مثال آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی نوشت: «ضد انقلاب در حال تشکیل روز افزون است، تشکیل مجلس مؤسسان و ساز و کار عمل مجلس مؤسسان، وقت زیادی نیاز دارد؛ چنانچه این فرصت داده شود خط انهدام کلی انقلاب وجود دارد، بنابراین مجلس مؤسسان نباشد بهتر است.»^(۶) علاوه بر آن وی هنگام برگزاری انتخابات، ائتلافی بزرگ از جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه، جامعه‌ی روحانیت مبارز، حزب جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و سایر گروه‌های متشکل در نیروی مذهبی تشکیل داد و فهرستی مشترک برای نامزدهای انتخاباتی خود در سراسر کشور منتشر ساخت. نیز هنگامی که پیش‌نویس قانون اساسی

۱. اطلاعات، ش ۱۵۸۶۹، ۱۳۵۸/۳/۱۲، ص ۲

۲. اطلاعات، ش ۱۵۹۱۸، ۱۳۵۸/۵/۹، ص ۱

۳. اطلاعات، ش ۱۵۹۱۹، ۱۳۵۸/۵/۱۰، صص ۲ و ۳

۴. اطلاعات، ش ۱۵۹۱۵ و ۱۵۹۲۰، ۱۳۵۸/۵/۱۱، صص ۱ و ۳

۵. اسماعیلی، همان، ص ۱۱۷

۶. ناصر مکارم شیرازی، مجلس مؤسسان باشد یا نباشد، اطلاعات، ش ۱۵۸۸۴، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ص ۴

منتشر شد، تلاش کرد به اعتراض سه نیروی غیرمذهبی پاسخ دهد و به این وسیله حضور خود را در فضای سیاسی جامعه حفظ نماید.

پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی در ۲۶ خرداد ماه ۱۳۵۸ در ۱۲ فصل و ۱۵۱ اصل منتشر شد. غیر از فصل دهم، مشتمل بر اصول ۱۴۲ تا ۱۴۷ با عنوان «شورای نگهبان»، اصل ۱۳ با عنوان «دین رسمی» و اصل ۱۵ که حق حاکمیت را ملی و از آن مردم دانسته است، بقیه‌ی اصول و فصول پیش‌نویس، یادآور قانون اساسی مشروطیت (شامل متن و متمم) بود و نسبت به حکومت جدید فاقد نوآوری بود.^(۱) به علاوه راجع به برخی اقلیت‌های مذهبی نیز سکوت اختیار کرده بود.

آنچه عمدتاً مورد اختلاف واقع شد، اصل ۱۳ بود که دین رسمی ایران را اسلام و مذهب جعفری معرفی می‌کرد. این اصل با اعتراض نیروهای غیرمذهبی و برخی اقلیت‌های مذهبی روبه‌رو شد. برای نمونه، در مقاله‌ای تحت عنوان «ده ایراد به پیش‌نویس قانون اساسی»، نویسنده اظهار داشت: «دین رسمی جمهوری اسلامی ایران باید شریعت انور اسلامی باشد لاغیر. دین نباید هم عرض مذهب باشد؛ جنایتی که صفویه کرد و ۳۰۰ سال است که داریم چوبش را می‌خوریم»،^(۲) یا علامه احمد مفتحی‌زاده، رهبر حزب مساوات اسلامی کردستان، به درج دین رسمی در پیش‌نویس اعتراض کرد،^(۳) نیز شخصی به نام دکتر علینقی منزوی نوشت که «داستان تشیع صفوی را تکرار نکنید»،^(۴) همچنین مطلبی با عنوان «از میان نامه‌ها» در روزنامه‌ی اطلاعات منعکس گردید که بیان می‌داشت «عنوان کردن مذهب در قانون اساسی خلاف نص قرآن است.»^(۵)

۱. برای اطلاع از پیش‌نویس مراجعه شود به:

الف - اطلاعات، ش ۱۵۸۸۰، ۱۳۵۸/۳/۲۶، صص ۵ و ۶

ب - راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره‌ی کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۶۸، صص ۲۲-۶

۲. احمد علی بابایی، ده ایراد به پیش‌نویس قانون اساسی، اطلاعات، ش ۱۵۸۸۴، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ص ۴

۳. اطلاعات، ش ۱۵۸۸۴، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ص ۸

۴. اطلاعات، ش ۱۵۸۸۷، ۱۳۵۸/۴/۳، ص ۹

۵. اطلاعات، ش ۱۵۸۹۶، ۱۳۵۸/۴/۱۳، ص ۱۰

در دفاع از این اصل، حتی پیش از این که اعتراضی صورت گیرد، اشخاصی از نیروی مذهبی سخن گفتند. مثلاً مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی اظهار داشت که «مذهب رسمی مردم ایران باید جعفری اثنی عشری باشد»،^(۱) مرحوم آیت‌الله گلپایگانی بیان داشت که «قانون اساسی اسلام قرآن و سنت است».^(۲) اما عمده‌ی دفاع از این اصل، تکمیل و استحکام آن در مجلس خبرگان صورت گرفت و در آنجا نیز به تصویب رسید. همچنین به دلیل نقش ضعیفی که پیش‌نویس برای شورای نگهبان قائل شده بود، با اعتراض جمعی از شخصیت‌های نیروی مذهبی مواجه شد. در اصل ۱۴۲ پیش‌نویس، درباره‌ی ترکیب اعضای شورای نگهبان آمده بود: «پنج نفر از میان مجتهدان پیشنهادی مراجع معروف تقلید به انتخاب مجلس شورای ملی به اضافه‌ی شش نفر از صاحب‌نظران حقوقی به اضافه‌ی سه نفر از اساتید دانشکده‌های حقوق با اضافه‌ی سه نفر از قضات دیوان عالی کشور». در این ترکیب، پنج فقیه منتخب مجلس در مقابل ۱۲ نفر غیر فقیه قرار می‌گرفت که مورد اعتراض واقع شد. مثلاً آیت‌الله حسینعلی منتظری از این که در شورای نگهبان پیشنهادی پیش‌نویس قانون اساسی، فقها در اقلیت‌اند، انتقاد کرد،^(۳) یا سید محمد خاتمی در مقاله‌ای با عنوان «قانون اساسی و خطر جنگ داخلی» ضمن اعتراض به در اقلیت بودن فقها در شورای نگهبان پیشنهاد کرد که تعداد آنان به هشت نفر افزایش یابد.^(۴)

و در اصل ۱۴۴، کارویژه‌ی شورای نگهبان تا حد ناظری اطلاعاتی (نه حتی استطلاعی) و وابسته تقلیل داده شده بود:

«شورای نگهبان به درخواست یکی از مراجع معروف تقلید یا رییس جمهور یا رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور صلاحیت رسیدگی به قوانین را پیدا می‌کند، مشروط بر این که از تاریخ توشیح قانون بیش از یک ماه نگذشته باشد.» چون این تنها جایی در پیش‌نویس بود که به فقیه قدرتی ناچیز بخشیده بود و

۱. اطلاعات، ش ۱۵۸۸۵، ۱۳۵۸/۳/۳۱، صص ۱ و ۲ و ۱۱

۲. همان جا

۳. اطلاعات، ش ۱۵۸۸۶، ۱۳۵۸/۴/۲، ص ۱۲

۴. اطلاعات، ش ۱۵۹۰۲، ۱۳۵۸/۴/۲۱، ص ۹

اسلامیت مندرج در اصل ۱۳ را به شکلی نیم‌بند، رسمیت می‌بخشید، با اعتراض نیروی مذهبی مواجه شد؛ چراکه به نظر نیروی مذهبی هیچ تناسبی بین پیش‌نویس و منظوری که ملت از جمهوری اسلامی داشته (یعنی حکومت اسلامی) وجود نداشت. برای نمونه در این باره آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی انتقاد کرد که چرا در پیش‌نویس قانون اساسی نظارت فقیه بر مسایل اجرایی کشور پیش‌بینی نشده،^(۱) سیدمحمد خاتمی استدلال کرد که چنان‌چه بین دولت و مراجع دوگانگی باشد، مانند زمان قبل از انقلاب بار دیگر مردم متدین دور علما جمع خواهند شد و از آنان پیروی خواهند کرد و در صورت مخالفت دولت با علما احتمال جنگ داخلی وجود دارد. بنابراین چون رأی شرعی بر هر چیزی حاکمیت دارد، لازم است فقها بر دولت حاکمیت داشته باشند تا دوگانگی ایجاد نشود،^(۲) مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی از درج ولایت فقیه، شورای نگهبان و اسلامیت حمایت کرد،^(۳) حجة الاسلام سیداحمد علم‌الهدی طی مقاله‌ای با عنوان «چرا باید رئیس‌جمهور حتماً شیعه باشد؟» اتهام انحصارطلبی شیعه را پاسخ گفت و تأکید کرد که شیعه هیچ‌گاه انحصارطلب نبوده است.^(۴) همه‌ی این مسایل موجب گردید که نیروی مذهبی در صدد جبران ضعف‌های پیش‌نویس در مجلس خبرگان برآید.

انتخابات خبرگان در فضایی متشنج (که برخی حوادث آن پیش‌تر برشمرده شد) و در حالی در ۱۲ مرداد ماه برگزار شد که پیش از آن حداقل دو ترور سازمان‌یافته‌ی دیگر صورت گرفته و یک توطئه ترور خنثی شده بود. به فاصله‌ی یک هفته از هفدهم تا بیست و پنجم تیرماه ۱۳۵۸، محمدتقی حاجی طرخانی ترور شد و به شهادت رسید،^(۵) حجة الاسلام سیدرضی شیرازی ترور^(۶) و زخمی گشت و توطئه‌ی ترور عباس امیرانتظام خنثی شد.^(۷) در طول مدتی که به انتخابات خبرگان منجر شد، حضرت امام

۱. اطلاعات، ش ۱۵۸۸۷، ۱۳۵۸/۴/۳، ص ۴

۲. اطلاعات، ش ۱۹۰۲، ۱۳۵۸/۴/۲۱، ص ۹

۳. اطلاعات، ش ۱۵۹۰۸، ۱۳۵۸/۴/۲۸، صص ۱۰ و ۱۱

۴. اطلاعات، ش ۱۵۹۰۳، ۱۳۵۸/۴/۲۳، ص ۹

۵. اطلاعات، ش ۱۵۸۹۹، ۱۳۵۸/۴/۱۷، ص ۱

۶. اطلاعات، ش ۱۵۹۰۵، ۱۳۵۸/۴/۲۵، ص ۱۰

۷. اطلاعات، ش ۱۵۹۰۴، ۱۳۵۸/۴/۲۴، ص ۲

خمینی (ره) در دیدارها، بیانی‌ها و گفته‌های خود هم وعاظ را برای تأیید طرح دولت دربارہی قانون اساسی و رفراندوم آن بسیج کردند^(۱) و هم تأکید کردند که «علما از رفتن به مجلس بررسی قانون اساسی نباید خودداری کنند».^(۲) همین بسیج همگانی موجب شور و نشاط انتخاباتی گردید. نتیجه‌ی انتخابات با اکثریت ۷۰ درصدی به نفع ائتلاف بزرگ نیروی مذهبی بود.

انتخابات در حوزه‌های رأی‌گیری خرمشهر، چابهار، ایرانشهر، رامهرمز، شوشتر، بروجرد، بروجن سمیرم با یک کشته، در شیراز، جروق کازرون، رشت، لاهیجان و حوزه‌ی ۱۱۷ عباس‌آباد تهران با درگیری و حتی در کردستان با مختصر اغتشاشاتی برگزار شد.^(۳)

نیروهای سه‌گانه‌ی غیرمذهبی که فقط توانسته بودند شش نماینده از مجموع ۷۳ نماینده (یعنی حدود ۸ درصد) به مجلس بفرستند، به‌طور دسته‌جمعی به نحوه‌ی برگزاری انتخابات اعتراض کرده، حتی حزب جمهوری خلق مسلمان با انتشار نامه‌ای سرگشاده، قلب در انتخابات را مطرح ساخت.

در مقطع مشخص شدن نتیجه‌ی انتخابات تا افتتاح رسمی مجلس خبرگان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸، علاوه بر انتقادهای و اعتراض‌ها علیه انتخابات و مجلس خبرگان، جنگ مطبوعاتی نیز شدیدتر شد، طوری که دادستانی کل انقلاب (به دادستانی آقای هادوی) مجبور شد روزنامه‌ی آیندگان و آهنگر را توقیف نماید. همین توقیف نیز موجی از خشونت‌های فیزیکی را بین گروه‌های مختلف همراه داشت.^(۴) در همان مقطع، بحران در کردستان به اوج خود رسید؛ شهر پاوه اشغال شد و در سایر شهرهای کردستان، مخصوصاً نقده و مهاباد، درگیری شدید به فرماندهی حزب دموکرات کردستان صورت گرفت.^(۵) نیز در تهران، بین گروه‌های مذهبی و گروه‌های چپی و التقاطی، درگیری

۱. اطلاعات، ش ۱۵۸۸۲، ۱۳۵۸/۳/۲۸، ص ۷

۲. اطلاعات، ش ۱۵۸۸۵، ۱۳۵۸/۳/۳۱، ص ۱۱

۳. اطلاعات، ش ۱۵۹۲۱، ۱۳۵۸/۵/۱۳، صص ۲ و ۳ و ۴ و ۱۰ و ۱۱

۴. اطلاعات، ش ۱۵۹۲۴، ۱۷ و ۱۳۵۸/۵/۲۲، صص ۱ و ۲

۵. اطلاعات، ش ۱۵۹۳۰، ۱۵۹۳۲ و ۱۵۹۳۳، ۲۸ و ۱۳۵۸/۵/۲۹، صص ۱ و ۲ و ۱۲

مسلحانه روی داد.^(۱)

رهبر انقلاب اسلامی در این مقطع بحرانی تلاش کرد از یک طرف از طریق نیروهای نظامی و انتظامی بحران‌های مناطق قوم‌نشین، مخصوصاً کردستان را مهار کند و از طرف دیگر شهید آیت‌الله علی قدوسی را به جای هادوی، دادستان کل انقلاب کرد تا بحران را در داخل شهرها مهار کند.^(۲) قاطعیت شهید قدوسی و عملیات نظامی ارتش و نیروهای انتظامی و پاسداران موجب گردید تا حدودی از دامنه‌ی بحران کاسته شود. دادستان کل انقلاب، ۳۳ نشریه‌ی متخلف و بی‌مجاز را تعطیل کرد^(۳) و دستور خلع سلاح گروه‌های سیاسی مسلح را صادر و اجرای آن را آغاز کرد. همچنین ارتش، ژاندارمری و شهربانی و سپاه توانستند بسیاری از مناطق از جمله پاوه آزاد کنند و بر آن مسلط شوند. نیز امام (ره) با هدف جلوگیری از تعطیل و فلج شدن کشور از راه تحصن، اعتصاب و حمله علیه دولت، اعلام کردند که «تحصن، اعتصاب و تضعیف دولت خلاف اسلام است».^(۴) اقدامات امام (ره) موجب شد مجلس خبرگان بتواند در موعد مقرر آغاز به کار کند؛ اما گروه‌های بازنده هم در خارج از مجلس مبارزه علیه مصوبات خبرگان را آغاز کردند و هم نمایندگان آن‌ها در داخل مجلس علیه نیروی مذهبی فعالیت کردند.

اولین گام را در داخل مجلس رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، نامزد مورد حمایت حزب خلق مسلمان، برداشت. پس از افتتاح رسمی مجلس خبرگان و شروع به کار آن، مقدم مراغه‌ای خواستار طرح و بررسی اعتبارنامه‌های نمایندگان گردید. احتمالاً هدف از طرح موضوع اعتبارنامه‌ها آن بود که اولاً وقفه‌ای در سرعت دستیابی نیروی مذهبی به

۱. اطلاعات، ش ۱۵۹۲۹، ۱۳۵۸/۵/۲۳، صص ۱ و ۲

۲. اطلاعات، ش ۱۵۹۳۹ و ۱۵۹۳۱، ۱۸ و ۱۱/۵/۲۵، صص ۱ و ۳ و ۱۱. (عین تیترو روزنامه‌ی اطلاعات ۱۳۵۸/۵/۲۵ چنین است: «به دنبال تشنج‌های مختلف امام به دولت، ارتش و پاسداران انقلاب شدیداً اخطار کردند»)

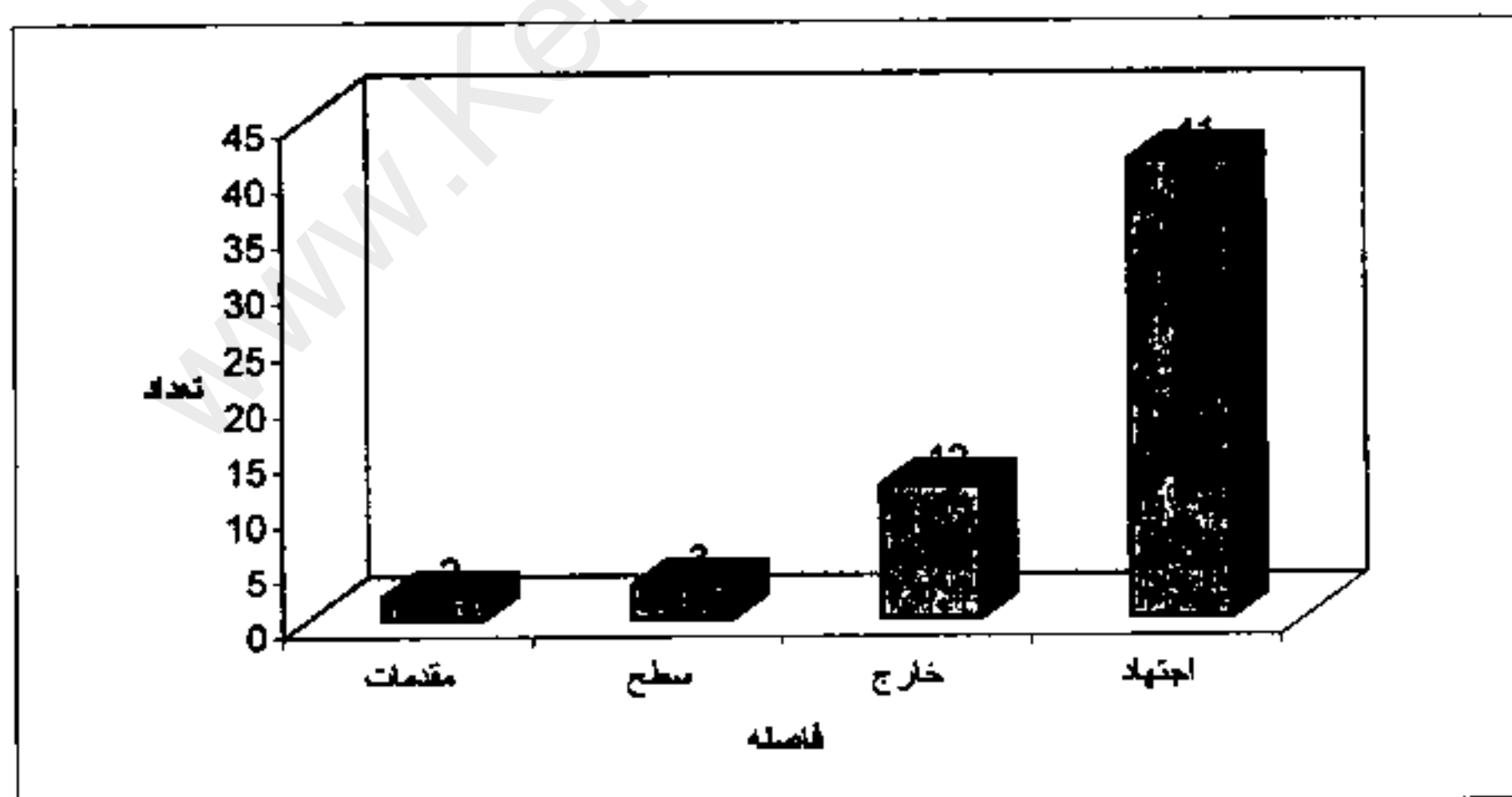
دادستان انقلاب باید تمام مجلاتی را که بر ضد مسیر ملت است و توطئه‌گر است توقیف و نویسندگان آن‌ها را محاکمه کند

می‌آیم تهران و با رؤسایی که مسامحه می‌کنند انقلابی عمل می‌کنم»

۳. اطلاعات، ش ۱۵۹۳۴، ۱۳۵۸/۵/۳۰، ص ۱۰

۴. اطلاعات، ش ۱۵۹۲۵، ۱۳۵۸/۵/۱۸، صص ۱ و ۱۱

منویاتش ایجاد گردد و به موازات وقفه‌ی ایجاد شده با استمداد از شرایط جاری کشور، مجلس خبرگان وقت خود را به مقدمات اختصاص دهد و در کوتاه مدت نتواند به اهداف خود دست یابد. سپس نیروهای بازنده بتوانند مجلس را به استناد ناکارآمدی در انجام دادن وظایف خود در موعد مقرر، به انحلال وادار سازند و در غیر این صورت حداقل آن را از جایگاه عالی خود به مجلسی نازل و ضعیف در نگاه افکار عمومی تقلیل دهند. ثانیاً با طرح مسایلی درباره‌ی نمایندگان که اثبات آن‌ها در کوتاه مدت یا حتی بلندمدت ممکن نبود، چهره‌ی نمایندگان خبرگان مشوه جلوه داده شود. چون مطابق نمودار ۶، اکثریت قاطع مجلس خبرگان را نیروهای مذهبی، شامل مجتهدین (۴۱ نفر)، حوزویان دوره‌ی خارج (۱۲ نفر)، حوزویان دوره‌ی سطح (۳ نفر) و حوزویان دوره‌ی مقدمات (۲ نفر) تشکیل می‌دادند و به‌طور عموم در انظار عمومی شناخته شده بودند. نمودار ۶: توزیع نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی بر حسب میزان تحصیلات حوزه‌ای



(منبع: راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ضمیمه)

پیشنهاد مقدم مراغه‌ای با گفتن این‌که

«... صلاحیت نمایندگان را هیئت نظارت رسیدگی کرده و اعتبارنامه‌ها را تصویب و خدمتشان تقدیم داشته است. اگر جناب عالی خودتان به صلاحیتتان اعتراض دارید می‌توانید تشریف ببرید.»^(۱)

.. ملت صلاحیت آقایان را تشخیص داده است.^(۲)

... در مورد تصویب اعتبارنامه، همان‌طور که فرمودند سنت پارلمانی صحیح است، منتهی باید دید ضرورت دارد یا نه؟ به‌خصوص که رسیدگی به اعتبارنامه‌ها باز تشکل کمیسیون می‌خواهد و اگر اعتراضی باشد، مورد رسیدگی قرار گیرد که این مدتی وقت می‌خواهد. در یک پارلمانی که عمرش ۲ یا ۴ سال است، خوب وقت این کارها هست؛ ولی برای یک گردهمایی که باید در حداقل وقت ممکن، نمی‌گویم با شتابزدگی، باید کاری را تمام بکنیم شاید وقت برای این سنت‌هایی که مستحب است نباشد.»^(۳)

مورد توجه قرار نگرفت و رد شد.

با توجه به اکثریتی که نیروی مذهبی داشت، به‌طور طبیعی هیئت ریسه‌ی مجلس را از آن خود کرد. ریاست دایمی مجلس خبرگان را آیت‌الله منتظری و نیابت رییس را آیت‌الله دکتر بهشتی به عهده گرفت. نظر به توانایی‌های بارز مدیریتی و اداری شهید بهشتی، جلسات خبرگان را نه رییس، بلکه نایب رییس اداره کرد.

این نکته نیز شایان ذکر است که حضرت امام خمینی (ره) در روز افتتاح مجلس خبرگان، در دیدار با نمایندگان آن مجلس و نیز در پیام خود به مجلس خبرگان مطالبی فرمودند که فضای آن زمان کشور را می‌نمایاند، همچنین حدود صلاحیت و جهت کار خبرگان را مشخص ساخته است: اول این‌که مشی سیاسی نیروی مذهبی از ابتدای

۱. عباس شیبانی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد اول، جلسه‌ی اول ناسی و یکم)، تهران، اداره‌ی کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی،

۱۳۶۴، ص ۱۱

۲. حسینعلی منتظری در همان، ص ۱۲

۳. محمدحسینی بهشتی در همان، ص ۱۳

پیروزی انقلاب اسلامی قائل شدن به حق آزادی کامل برای نیروهای سیاسی دیگر بوده است. این نیروها به جای استفاده‌ی بهینه از آزادی، به تخریب فضا و خشونت دست یازیده‌اند. این سمت‌گیری، نیروی مذهبی را مجبور می‌کند که با خشونت‌طلبان باملایمت رفتار نکند:

«ما می‌خواهیم حتی الامکان با ملایمت رفتار بشود، خونریزی نشود... بعد از انقلاب آزادی دادیم به خیال این‌که این‌ها مردمی هستند که اگر لااقل مسلمان نیستند، آدم هستند، اما ماهیتشان روشن شد و این‌ها نصیحت‌پذیر نیستند. باید با این‌ها با شدت رفتار کرد... ما... خیال می‌کردیم با انسان سر و کار داریم، بعد معلوم شد که نه ما با انسان سر و کار نداریم ما با حیوانات درنده سر و کار داریم با حیوانات درنده نمی‌شود با ملایمت رفتار بکنیم و نمی‌کنیم.»^(۱)

دوم این‌که چون «انگیزه‌ی این انقلاب و رمز پیروزی آن اسلام بوده و ملت ما در سراسر کشور از مرکز تا دورافتاده‌ترین شهرها و قراء و قصبات با اهدای خون و فریاد «اللّه اکبر»، جمهوری اسلامی را خواستار شدند و در فراندوم بی‌سابقه و اعجاب‌آور با اکثریت قریب به اتفاق به جمهوری اسلامی رأی دادند... قانون اساسی و سایر قوانین در این جمهوری باید صد در صد براساس اسلام باشد و اگر یک ماده هم برخلاف احکام اسلام باشد، تخلف از جمهوری و آرای اکثریت قریب به اتفاق ملت است... و اصولاً نمایندگانی که بر این اساس انتخاب شده باشند وکالت آنان محدود به حدود جمهوری اسلامی است و اظهارنظر و رسیدگی به پیشنهادها یا مخالف اسلام یا مخالف نظام جمهوری خروج از حدود وکالت است.»^(۲)

با توجه به اکثریت و ریاست نیروی مذهبی بر مجلس و تعیین مسیر سمت‌گیری مجلس خبرگان از جانب امام (ره) بود که اصول اختلافی پیش‌نویس به سرعت تصویب شد. علاوه بر آن اصل پنجم (ولایت فقیه)، که در پیش‌نویس نبود، به قانون اضافه گردید. به‌طور کلی اصول مهم در مذاکرات قانون اساسی عبارت بودند از: اصل ۴ (حاکمیت

۱. روح‌الله (امام) خمینی در اطلاعات، ش ۱۵۹۳۲، ۱۳۵۸/۵/۲۸، ص ۱۲

۲. روح‌الله (امام) خمینی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد اول، جلسه اول تا سی و یکم)، ص ۵

احکام اسلام بر کلیه قوانین و مقررات)، اصل ۵ (ولایت فقیه)، اصل ۱۲ (دین و مذهب رسمی) و اصل ۹۱ (شورای نگهبان). همان‌طور که یکی از نمایندگان خبرگان درباره‌ی اصل چهار اظهار داشته که «این مهم‌ترین اصلی است که نوشته و تصویب می‌شود و هدف آقایان مجتهدین و علما که این‌جا جمع شده‌اند بیشتر همین اصل است که بر تمام اصول حکومت دارد»،^(۱) این مهم‌ترین اصل بود که بدون مخالفت جدی همراه ۴۳ پیشنهاد، سؤال و تذکر، با ۵۶ رأی موافق، ۷ رأی مخالف و ۶ رأی ممتنع در جلسه‌ی چهاردهم خبرگان به تصویب رسید.^(۲)

اصل ۵ نیز، که مهم‌ترین اصل عملیاتی کننده‌ی اصل ۴ است، بدون این‌که در پیش‌نویس ذکری از آن به میان آمده باشد به مجلس پیشنهاد شده، با توجه به جمله‌ی نایب رییس خبرگان دایر بر این‌که «با توجه به بحث‌های گسترده‌ای که در گروه‌ها و در جلسه‌ی مشترک گروه‌ها درباره‌ی اصل ۵ شده نظر بر این است که بتوانیم این اصل را با اظهار نظر یک موافق و یک مخالف به رأی بگذاریم»،^(۳) تنها یک مخالف (مقدم مراغه‌ای) داشته و یک موافق (شهید بهشتی) در جواب او سخن گفته است. گفته‌های مقدم مراغه‌ای^(۴) در مخالفت با اصل ولایت فقیه، بیانی دیگر از دیدگاه‌های حسن نزیه است (که پیش‌تر بدان اشاره شد). شهید بهشتی با توصیف مکاتب سیاسی موجود در دنیا و تشریح نظام سیاسی اسلام بر این نکته تکیه کردند که «... آقای مراغه‌ای آیا شما این جزوه‌ای را که اداره‌ی دبیرخانه در طول چند ماه از چهار هزار نظریه و پیشنهاد مردم و آنچه که در روزنامه‌ها منتشر شده است، تهیه کرده است فرصت کرده‌اید مطالعه کنید؟ مطالعه بفرمایید ببینید وقتی این اصول مطرح شده است، نظرات رسیده‌ای که این‌جا دوستان استخراج کرده‌اند، عموماً تکیه بر این دارد که چرا این اصل را در قانون اساسی

۱. جواد فاتحی در همان، ص ۳۵۱

۲. مراجعه شود به: راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره‌ی کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۶۸، صص ۵۹-۶۰

۳. بهشتی در صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد اول، جلسه‌ی اول ناسی و یکم)، ص ۳۷۳

۴. رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای در همان، صص ۳۷۳-۳۷۶

نگذاشته‌اند. خوب، مجلس خبرگان کارش این بود که نظرات را مطالعه کند و آن پیش‌نویس را تکمیل کند و ما این کار را کردیم.»^(۱) این اصل نیز با ۵۳ رأی موافق، ۸ رأی مخالف و ۴ رأی ممتنع از مجموع ۶۵ رأی به تصویب رسیده است.^(۲)

اصل ۱۲ نیز با ۵۲ رأی موافق، ۲ مخالف و ۳ ممتنع از کل ۵۷ رأی به تصویب رسیده است و در مذاکرات ۲ موافق و ۳ مخالف سخن گفته‌اند و ۸ نفر سؤال کرده، تذکر، توضیح، یا پیشنهاد داده‌اند.^(۳) اصل ۹۱ نیز با ۵۷ رأی موافق، ۴ رأی مخالف و ۶ ممتنع، از مجموع ۶۷ رأی و با سخن یک موافق و یک مخالف به تصویب رسیده است.^(۴)

مصوبات مهم یاد شده، که حاکی از شکست کامل نیروهای غیرمذهبی بود، آنان را واداشت تا در عرصه‌ی مطبوعات و مجامع علیه مهم‌ترین اصل قانون اساسی (اصل ۵) به مبارزه‌ی قلمی و لسانی دست زنند.

برای مثال، از یک سو جبهه‌ی ملی از عملکرد مجلس خبرگان انتقاد کرد^(۵) و از سوی دیگر ابوالحسن بنی‌صدر اظهار داشت:

«در ولایت فقیه بهتر است حقوق خاصه تعیین نشود، روحانیت بین مردم تبلیغ

کند، رأی بگیرد و در مجلس مثل بقیه ولایتش را اعمال کند.»^(۶)

نیز عزت‌الله سبحانی اظهار داشت:

«ما اصل ولایت فقیه را که یک اصل غیرقابل انکار مکتبی است در حد نظارت

مکتبی توسط اسلام‌شناسان واقعی بر قوانین و مقررات قابل قبول است اما آن

طرحی که نوعی حاکمیت و سرپرستی بلارفیق یعنی نوعی قدرت در مقابل

قدرت حکومت است، در شرایط امروز قابل قبول نمی‌تواند باشد...»^(۷)

۱. بهشتی در همان، صص ۳۸۲-۳۷۶

۲. راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۶۰

۳. همان، ص ۶۸

۴. همان، ص ۱۶۶

۵. اطلاعات، ش ۱۵۹۶۱، ۱۳۵۸/۷/۳، ص ۲

۶. اطلاعات، ش ۱۵۹۵۶، ۱۳۵۸/۶/۲۸، ص ۲

۷. اطلاعات، ش ۱۵۹۵۶، ۱۳۵۸/۶/۲۸، ص ۲

جالب توجه این که افراد فوق‌الذکر به ترتیب نامزد مورد حمایت حزب جمهوری اسلامی، فداییان اسلام، نهضت زنان مسلمان، و حزب جمهوری اسلامی، نهضت آزادی، مجاهدین خلق^(۱) بودند و از این روی باید از نظر اکثریت حمایت می‌کردند؛ اما تحولات بعدی سیاسی نشان داد که طیفی همانند این افراد با دیدگاه خاص خود با آنچه اکثریت از ولایت فقیه مد نظر دارد، همراهی ندارد و به نوعی با آن برخورد می‌کند که هم باشد و هم نباشد و از این نظر با نیروهای غیرمذهبی هم‌داستان شدند.

به موازات کار خبرگان، گروه‌های مخالف، فعالیت خود را در سطح جامعه ادامه دادند؛ طوری که پنج روز بعد از شروع کار خبرگان، حاج مهدی عراقی، پسرش و حاج حسین مهدیان ترور شدند و دو نفر اول به شهادت رسیدند، همان روز، ۱۳۵۸/۶/۴، رادیو - تلویزیون مهاباد به وسیله‌ی دموکرات‌ها اشغال شد،^(۲) پس از آن شبکه‌ی بزرگ چریکی در خرمشهر کشف شد،^(۳) با توپ ۱۰۶ به دادگاه انقلابی سقز حمله شد و پنج نفر در این حادثه زخمی شدند،^(۴) پیرانشهر از سکنه خالی شد، مهاجمان پادگان سردشت را به توپ بستند و در این حمله نه نفر شهید شدند، در جریان تظاهرات بوکان سه پاسدار شهید شدند، در قطار مسافربری جنوب بمبی منفجر شد، مهاجمان در جاده‌ی سردشت - مهاباد ۵۲ پاسدار را کشتند و ۱۵۰ نفر را به گروگان گرفتند، آیت‌الله سیدمحمدعلی قاضی طباطبایی در تبریز ترور شد و به شهادت رسید و حوادثی از این قبیل در گوشه و کنار کشور به وقوع پیوست؛ اما خبرگان کار خود را ادامه داد.

عمده‌ترین تلاشی که رقبای نیروی مذهبی جمع شده در دولت موقت انجام دادند، تدوین طرح انحلال مجلس خبرگان در ۱۳۵۸/۷/۱۸ بود. دلیل ظاهری تهیه‌کنندگان طرح طولانی شدن زمان بررسی پیش‌نویس و تجاوز نمایندگان از حدود وکالت مردم در

۱. اسماعیلی، همان، ص ۱۲۱

۲. اطلاعات، ش ۱۵۹۳۸، ۱۳۵۸/۶/۴، ص ۱

۳. اطلاعات، ش ۱۵۹۴۰، ۱۳۵۸/۶/۶، ص ۳

۴. اطلاعات، ش ۱۵۹۴۳، ۱۳۵۸/۶/۱۸، ص ۱

بعضی موارد بود.^(۱) اما زیر این پوشش ظاهری موجه، رقبا از راه ظاهراً قانونی و کم در دسر قصد داشتند با انحلال خبرگان نیروی مذهبی را از صحنه خارج کنند و برای این که دفع اتهام مقدور بشود، در طرح انحلال خبرگان را مستند کرده بودند به این که: «... چون وکیل حق ندارد مدت وکالت خود را یک طرفه تجدید نماید، تمدید مهلت قانونی از طرف آن مجلس وجهی شرعی و قانونی نداشته است.»^(۲) نیز برای پس از انحلال مجلس پیشنهاد کرده بودند:

«دولت ظرف یک ماه از این تاریخ برای تصویب پیش نویس قانون اساسی که از طرف دولت، تنظیم و با تأیید مقام رهبری انقلاب به تصویب شورای انقلاب رسیده بود، (با اصلاحاتی که مورد تصویب شورای انقلاب و تأیید مقام رهبری می باشد) به آرای عمومی مراجعه خواهد کرد.»^(۳)

شاهد مثال برای چنین قصدی آن که، پیش از تشکیل خبرگان، همین تهیه کنندگان طرح انحلال که خواهان مراجعه‌ی مستقیم به آرای عمومی بودند، به شدت بر مخالفت با مراجعه‌ی مستقیم به آرای عمومی و لزوم تشکیل مجلس مؤسسان و نه حتی خبرگان اصرار می کردند، اما تقریباً بعد از گذشت بیش از یک ماه از فعالیت خبرگان، طرفدار رفراندوم مستقیم شدند. نظر به هزینه‌های معنوی و مادی‌ای که چنین اقدامی می توانست بر کشور تحمیل نماید و به لحاظ وظیفه‌ای که حضرت امام (ره) در امانتداری حقوق ملت و پاسداری از اسلام احساس می کردند، با این طرح مخالفت و مقابله جدی کردند:

«... آمدند آقایان پیش ما، همین آقایان، آقایان بازرگان و رفقاییش و گفتند که ما خیال داریم این مجلس را منحلش کنیم. من گفتم شما چه کاره هستید که می خواهید این کار را بکنید؟ شما چه سمتی دارید که بتوانید مجلس را منحل کنید؟ پاشید بروید سراغ کارتان. وقتی دیدند محکم است مسئله کنار رفتند.»^(۴)

مجلس خبرگان با رأی اکثریت مشغول کار است، حالا می بینیم که یک دسته‌ی

۱. جمهوری اسلامی، ش ۳۱۱، ۱۳۵۹/۴/۲۹.

۲. حسن آبت، چهره‌ی حقیقی مصدق السلطنه، ۱۳۶۰، ص ۱۹۴.

۳. همان جا.

۴. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر پنجم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴، صص ۷۴-۷۳.

چند نفری دور هم جمع می‌شوند و می‌گویند مجلس خبرگان باید منحل شود. من نمی‌دانم این آقایان چه کاره هستند و چرا مجلس خبرگان باید منحل شود؟... شما باورتان بیاید این طور نیست که خیال می‌کنید. اولاً مجلس منحل نمی‌شود و کسی حق انحلال ندارد و خود ملت حق دارند و ثانیاً اگر منحل بشود، یک وقت می‌گویید که ما قانون دیگر نمی‌خواهیم. شما حق چنین چیزی را ندارید. یک وقت می‌گویید که قانون می‌خواهیم و قانون را ملت باید تعیین کنند، مجلس مؤسسان باشد و ملت متدین علمایشان را تعیین کنند. باز شما باید عزا بگیرید برای این که نه در این مجلس راه دارید و نه در مجلس مؤسسان و علتش هم این است که یک ملتی که فریاد زده است ما اسلام را می‌خواهیم و دنبال این است که اسلام را به دست بیاورد، صد دفعه هم که شما برهمش بزنید، با این که نمی‌توانید به هم بزنید، باز هم مردم همان اسلام را می‌خواهند... خیال نکنند که این ملت چیزی نمی‌فهمد، خیر ملت بهتر از ما می‌فهمد.^(۱)

دولت موقت که برای اولین بار (با این که در قدرت سیاسی بود) از موضع اوبوزیسیون ظاهر شده بود، با شکست در این مرحله به فکر استعفا افتاد. استعفای دولت موقت یک روز پس از تصرف سفارت آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام مورد قبول مقام رهبری انقلاب قرار گرفت. دولت موقت در حالی سقوط کرد که از ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ تا زمان کناره‌گیری، پنج بار ترمیم شده بود.^(۲) هر بار ترمیم نیز به دلیل اختلاف نظر و رقابت اعضای دولت با یکدیگر بود. مثلاً استعفای اولین وزیر خارجه‌ی جمهوری اسلامی، دکتر کریم سنجابی دبیر کل جبهه‌ی ملی، به دلیل اختلاف وی با معاون نخست‌وزیر (ابراهیم یزدی از نهضت آزادی)، یا استعفای دکتر کاظم سامی (رهبر جاما) به دلیل اختلاف وی با سران نهضت آزادی در نحوه‌ی اداره‌ی امور بود.^(۳)

البته کناره‌گیری دولت موقت دلایل دیگری هم از قبیل ناکارآمدی، عدم تناسب با وضعیت به شدت در حال تحول و انقلابی کشور و نیز متهم شدن به طرفداری از آمریکا

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۸/۳، صص ۱-۲

۲. اطلاعات، ش ۱۵۹۶۴، ۱۳۵۸/۷/۷، ص ۲

۳. اطلاعات، ش ۱۵۹۸۹، ۱۳۵۸/۸/۷، صص ۱ و ۲ و ۱۲

داشت که ظاهراً نکته‌ی اخیر از همه مهم‌تر بود. نقطه‌ی عطف چنین اتهامی در سیاست خارجی دولت موقت ظاهر شد که معتقد به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با دنیای غرب و به نوعی پذیرش مجدد آمریکا در ایران بود. ملاقات نخست‌وزیر و وزیر خارجه‌ی دولت موقت با مشاور امنیت ملی دولت کارتر در الجزایر، به‌وسیله‌ی نیروی مذهبی و در رأس آن‌ها حزب جمهوری اسلامی در همین راستا، ارزیابی شد. در استیضاح مطبوعاتی، که حزب جمهوری اسلامی از دولت موقت به دلیل ملاقات سران آن دولت با برژینسکی به عمل آورد، بر نکته‌ی فوق‌الذکر به شدت تأکید گردید.^(۱)

شورای انقلاب که از ۱۴ آبان ماه ۱۳۵۸ تا پایان نیمه‌ی اول ۱۳۵۹ نقش قوه‌ی مقننه، مجریه و قضاییه را بر عهده داشت، یک‌بار با ورود سه عضو جدید ترمیم شد؛^(۲) اما فقط وزرای کشور و دادگستری آن در اوایل شروع کار تغییر کردند و تا پایان کار شورای انقلاب نیز در سمت خود باقی ماندند.

تهیه‌ی مقدمات همه‌پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی و تلاش برای حل بحران گروگان‌گیری، از اولین وظایف شورای انقلاب بود. با پایان یافتن کار مجلس خبرگان در اوایل آذرماه ۱۳۵۸، نیروهای غیرمذهبی ضمن متشنج ساختن فضای جامعه، آخرین گامی که برای واداشتن نیروی مذهبی به عقب‌نشینی برداشتند، تحریم همه‌پرسی بود. چنان‌که آیت‌الله شریعتمداری خواهان اصلاح‌بخشی از قانون اساسی شد که به دنبال آن در شهر تبریز تظاهراتی در حمایت از وی صورت گرفت و به درگیری و خشونت کشیده شد^(۳) و سازمان مجاهدین خلق همه‌پرسی را تحریم کرد اما علی‌رغم همه‌ی این تلاش‌ها، با حمایت امام خمینی (ره) دایر بر این‌که:

«این‌جانب در روز اخذ آرا رأی مثبت می‌دهم و از تمام برادران عزیز خود از هر

قشری و در هر مسلکی هستند، تقاضا می‌کنم که به این قانون سرنوشت‌ساز رأی

مثبت بدهند.»^(۴)

۱. سمیمی، همان، صص ۲۴۰-۲۳۹

۲. اطلاعات، ش ۱۵۹۹۶، ۱۶/۸/۱۳۵۸، ص ۲

۳. اطلاعات، ش ۱۶۰۱۶، ۱۲/۹/۱۳۵۸، ص ۱۲

۴. اطلاعات، ش ۱۶۰۱۵، ۱۰/۹/۱۳۸۱، ص ۴

و علی‌رغم وقوع اغتشاشاتی در تبریز، کردستان، ایرانشهر و چابهار همه‌پرسی در روزهای ۱۱ و ۱۲ آذرماه ۱۳۵۸ انجام شد و متن مصوب مجلس خبرگان با رأی ۱۵/۶۸۰/۳۲۹ مثبت، ۷۸۵۱۶ رأی منفی و ۱۱۱ رأی باطله، از مجموع رأی ۱۵/۷۵۸/۹۵۶ اخذ شده به تصویب ملت رسید. تصویب ملی منویات نیروی مذهبی، مرحله‌ای دیگر از شکست سه نیروی غیرمذهبی را رقم زد؛ اما این نیروها دست از تلاش خود برنداشته، کوشیدند در انتخاب ریاست جمهوری به منویات خود دست یابند.

ج: اولین انتخابات ریاست‌جمهوری

اولین گامی که در اجرای قانون اساسی برداشته شد، انتخاب رئیس‌جمهور بود. از آنجا که، مطابق اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری به حساب می‌آمد نیروهای سیاسی ایران از نیمه‌ی دوم آذرماه ۱۳۵۸ تلاش خود را برای احراز این مقام آغاز کردند. در آن زمان تعدد و تنوع گروه‌های سیاسی و مطبوعات آنها به حدی بود که تقریباً غیرقابل شمارش بودند. به این تعدد و تنوع، آزادی بی‌حد و حصر بیان و عمل نیز افزوده شده بود. برای اولین بار هم بود که در ایران انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار می‌شد. مجموعه‌ی این شرایط، به‌اضافه‌ی میل تصاحب ریاست قوه‌ی مجریه، آن هم در فضای انقلابی و پراشتهاب و سهل بودن شرایط نامزدی ریاست‌جمهوری، موجب گردید ۱۲۴ نفر خود را برای این انتخابات نامزد کنند. علی‌رغم کثرت عددی نامزدها، چند نامزد بیش از دیگران مطرح بودند: جلال‌الدین فارسی از حزب جمهوری اسلامی، مسعود رجوی از سازمان مجاهدین خلق، دکتر حسن حبیبی از جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، سیداحمد مدنی و ابوالحسن بنی‌صدر.

تقلیل عملی نامزدها در این حد دلایل مختلفی داشت: انتشار مصاحبه‌ی رهبر انقلاب اسلامی با حامد الگار دایر بر این‌که میل ندارند رئیس‌جمهور از روحانیون

باشد،^(۱) موجب شد شخصیت‌های سرشناسی مانند شهید بهشتی خود را نامزد ریاست جمهوری نکنند یا اشخاصی مانند شیخ صادق خلخالی از صحنه کنار بروند. شخصیت‌هایی مانند نخست‌وزیر وقت دولت موقت نیز با توجه به انتقادهای زیادی که از عملکرد دولت موقت از ناحیه‌ی گروه‌های مذهبی، چپی؛ التقاطی و حتی لیبرال به عمل آمده بود و می‌آمد^(۲) علی‌رغم این‌که از سوی احزاب و گروه‌هایی نامزد شده بود، وارد مبارزه‌ی انتخاباتی نگردید.

علاوه بر آن، قانون اساسی جمهوری اسلامی تشخیص صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری را در دوره‌ی اول به عهده‌ی رهبری نهاده است.^(۳) در دوره‌ی اول، حضرت امام با گفتن این‌که «... با این‌که در این دوره به حسب قانون اساسی مصوب از ناحیه‌ی ملت، تصدیق صلاحیت رییس‌جمهوری و واجد بودن شرایط او به عهده‌ی این‌جانب است،... امر صلاحیت را این‌جانب به ملت واگذار نمودم که خود سرنوشت خویش را تعیین نمایند»،^(۴) ظاهراً از ناحیه‌ی ایشان صلاحیت نامزدها مردود اعلام نگردید؛ اما هیئت اجرایی پاره‌ای داوطلبان محروم از انتخاب شدن را به دلایل مختلف قانونی رد صلاحیت کرد.

در آن زمان دانشجویان پیرو خط امام مستقر در لانه‌ی جاسوسی با همیاری و گرداندگی حجة‌الاسلام سید محمد موسوی خوئینی‌ها، به استناد اسنادی که در سفارت آمریکا بدان دست یافته بودند، افشاگری شدیدی علیه بسیاری از نیروهای سیاسی آغاز کردند. به همین دلیل در یک مرحله ۷۳ نفر از دور رقابت انتخاباتی ریاست‌جمهوری به دلیل افشاگری دانشجویان پیرو خط امام و حجة‌الاسلام خوئینی‌ها خارج گردیدند. تنی چند از افراد، به دلیل ارتباط با ساواک به‌طور قانونی از دور رقابت کنار گذاشته شدند.^(۵) به این ترتیب مسابقه‌ی ریاست‌جمهوری بین حزب جمهوری اسلامی، سازمان

۱. پیام امروز (ماه‌نامه)، ش ۱۷، ص ۱۷

۲. مراجعه شود به: اسماعیلی، همان، صص ۲۳۸-۲۳۵

۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل یکصد و نهم، بند ۹

۴. امام خمینی، صحیفه‌ی نور، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، جلد ۱۱، ص ۱۸۷

۵. اطلاعات، ش ۱۶۰۵۴، ۱۰/۳۰/۱۳۵۸، ص ۲

مجاهدین خلق، سیداحمد مدنی، ابوالحسن بنی صدر و دکتر حسن حبیبی در گرفت. با توجه به نفوذ، فراگیری، بداعت و تازگی حزب جمهوری اسلامی و تجربه‌ی موفق آن حزب در مجلس خبرگان رقبا تلاش کردند حزب را از این رقابت خارج کنند. شیخ علی تهرانی از هواداران نیروی لیبرال که با سران حزب جمهوری اسلامی به خصوص دکتر بهشتی، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و حجة‌الاسلام رفسنجانی میانه‌ی خوبی نداشت، با همکاری مجاهدین خلق اسنادی دایر بر افغانی الاصل بودن جلال‌الدین فارسی به وزارت کشور عرضه کرد. چون مطابق قانون اساسی رئیس‌جمهور باید ایرانی الاصل باشد،^(۱) با پی‌گیری‌های شیخ علی تهرانی و خصوصاً نامه‌ی سرگشاده‌ای که در ۱۳۵۸/۱۰/۲۵ به امام نوشت و در آن اظهار داشت که «با آن‌که دو بار از اداره‌ی آمار مشهد به وزارت کشور ایرانی الاصل نبودن آقای جلال‌الدین فارسی ابلاغ شد اعتنایی نکردند... لااقل آقای جلال‌الدین فارسی پدر و مادر خود را می‌شناسد و می‌داند که افغانی بوده‌اند و نیز می‌داند که خودش در ۱۸ سالگی تمام تابعیت ایرانی را پذیرفته» هم سرپرست وزارت کشور (حجة‌الاسلام هاشمی رفسنجانی)، هم حزب جمهوری اسلامی و هم فارسی را به خیانت به قانون اساسی و کشور متهم کرد و خواستار مجازات آنان شد،^(۲) حزب جمهوری اسلامی از صحنه‌ی رقابت خارج گردید.^(۳) دکتر حسن آیت، عضو دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی، در این موقعیت خود را به‌طور انفرادی نامزد کرد که مورد تأیید و حمایت حزب قرار نگرفت.^(۴) نیروی مذهبی که در این جا موقعیت حزب را از دست رفته می‌دید، حمایت خود را از دکتر حسن حبیبی اعلام داشت. این حمایت نیز به دلیل این‌که سایر رقبا با خروج فارسی از صحنه، فضا را به دست گرفته بودند، فایده‌ای نبخشید و حزب نتوانست موفقیتی به دست آورد.

مسعود رجوی به قانون اساسی جمهوری اسلامی رأی نداده بود. نظر رهبر انقلاب اسلامی آن بود که کسانی که به قانون اساسی جمهوری اسلامی رأی نداده‌اند حق ندارند

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل ۱۱۵

۲. اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۰/۲۶، ص ۲

۳. اطلاعات، ش ۱۶۰۵۴، ۱۳۵۸/۱۰/۳۰، ص ۲

۴. منوچهر محمدی، تعلیلی بر انقلاب اسلامی، امیرکبیر، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۵۸

نامزد ریاست جمهوری شوند؛ بر این اساس رجوی از صحنه‌ی رقابت کنار گذاشته شد.^(۱)

بنی صدر در زمانی که نامزد ریاست جمهوری شد، هم سمت سرپرستی وزارت امور اقتصاد و دارایی و هم سرپرستی وزارت امور خارجه را عهده‌دار بود. وی از وزارت خارجه استعفا داد؛ اما سرپرستی وزارت اقتصاد را نگه داشت. درون‌مایه‌ی روش مبارزاتی بنی صدر را انتقاد از اوضاع جاری کشور تشکیل می‌داد. وجهه‌ی اپوزیسیونی بنی صدر، که در عین حال سمت دولتی داشت و عضو شورای انقلاب بود، با توجه به فرهنگ سیاسی مردم، وی را به شدت مساعدت کرد. علاوه بر آن، وی به شکلی صوری بهره‌ی وام‌های بانکی را (به خصوص وام مسکن) کاهش داد یا حذف کرد. این امکان دولتی نیز (که سایرین از آن بهره‌مند نبودند) به وی مدد رساند. نیز هم از قبل شعار ملی کردن بانک‌ها را سر می‌داد و هم این اقدام را به خود منتسب می‌کرد. همچنین نطق‌های مختلف و بهره‌گیری از روزنامه‌ی انقلاب اسلامی به وی کمک زیادی کرد. این‌ها را می‌توان به اصطلاح علت ناقصه‌ی پیروزی بنی صدر دانست. اما علت تامه‌ی پیروزی بنی صدر، حمایت جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران از او بود. جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران که از ابتدا به نامزدی شهید بهشتی می‌اندیشید، با منتفی شدن نامزدی ایشان، به دلیل مخالفت امام (ره) با رییس‌جمهور شدن روحانیون، علی‌رغم مخالفت برخی از اعضای شورای مرکزی جامعه، از نامزدی بنی صدر حمایت کرد.^(۲) جامعه‌ی روحانیت تهران با توجه به نقشی که در مبارزات علیه رژیم شاه ایفا کرده بود و پس از انقلاب نیز مورد توجه رهبری انقلاب قرار داشت، از جایگاهی بس مثبت نزد افکار عمومی برخوردار بود. همین امر موجب تبدیل تردیدهای احتمالی مردم به یقین درباره‌ی بنی صدر گردید و اکثریت مردم به وی رأی دادند.

دکتر حبیبی، به گفته‌ی خودش، بی‌نام و نشان‌ترین نامزد بود و با توجه به فرصتی که

۱. اطلاعات، ش ۱۶۰۵۴، ۳۰/۱۰/۱۳۵۸، ص ۱۰.

۲. شرح کامل چگونگی اتخاذ تصمیم جامعه‌ی روحانیت تهران راجع به حمایت از نامزدی بنی صدر از زبان اولین دبیر جامعه‌ی روحانیت تهران در اثر ذیل آمده است:

خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۶، صص ۱۴۸-۱۳۶.

از دست داده بود، نتوانست در افکار عمومی جایگاهی برای خود دست و پا کند. احمد مدنی با شعار «مدنی کارگزار و یا جان برکف امام» و با تأکید بر لزوم حفظ امنیت و اقتدار ارتش، کار خود را شروع کرد و با توجه به سابقه‌ای که در دولت و حوادث خوزستان داشت و تبلیغاتی که صورت داد، توانست جایگاهی اجتماعی برای خود به دست آورد. در پنجاه روزی که به انتخابات ریاست جمهوری منتهی شد، حوادثی خشونت‌بار در اغلب شهرها به وقوع پیوست؛ برای نمونه در تبریز از جانب حزب خلق مسلمان حوادثی صورت گرفت که منجر به توقف فعالیت و انحلال حزب گردید،^(۱) آیت‌الله دکتر مفتح، از اعضای جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران، در ۲۷ آذر ماه ترور شد و به شهادت رسید، رئیس ستاد مشترک ارتش تغییر کرد،^(۲) در بندر لنگه و باز هم تبریز تشنج و خشونت به وقوع پیوست^(۳) و در زاهدان درگیری روی داد و پنج نفر کشته و عده‌ی زیادی مجروح شدند.^(۴)

علی‌رغم این اوضاع متشنج، انتخابات ریاست جمهوری در پنجم بهمن ماه در جوی نسبتاً آرام برگزار شد و تنها در استان کردستان اغتشاشاتی روی داد.^(۵) در این انتخابات بنی صدر، مدنی و حبیبی در صدر جدول قرار گرفتند. از کل ۱۴/۱۴۶/۶۲۲ رأی بنی صدر ۱۰/۷۰۹/۳۳۰ رأی، مدنی ۲/۲۲۴/۵۵۴ رأی و حبیبی ۶۷۴۸۵۹ رأی را به خود اختصاص دادند. به این ترتیب نتیجه‌ی انتخابات ریاست جمهوری با شکست نیروی مذهبی و پیروزی نیروی لیبرال به پایان رسید. در انتخابات بعدی، نیروی پیروز سعی کرد گستره‌ی حاکمیت خود را گسترش دهد و نیروی بازنده تلاش کرد با فرستادن نمایندگان خود به مجلس، فرصت از دست رفته را به نحوی جبران نماید.

د: انتخابات اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی

تشکیل مجلس شورای اسلامی نهادسازی را در جمهوری اسلامی در مهم‌ترین

۱. اطلاعات، ش ۱۶۰۲۷، ۱۶۰۲۵/۹/۱۳۵۸، ص ۲

۲. اطلاعات، ش ۱۶۰۳۶، ۱۶۰۳۵/۱۰/۱۳۵۸، ص ۲

۳. اطلاعات، ش ۱۶۰۴۷، ۱۶۰۴۰/۱۰/۱۳۵۸، ص ۲

۴. اطلاعات، ش ۱۶۰۳۳، ۱۶۰۳۲/۱۰/۱۳۵۸، صص ۱ و ۲

۵. اطلاعات، ش ۱۶۰۵۹، ۱۶۰۵۸/۱۱/۱۳۵۸، صص ۱ و ۲

بخش آن سامان می داد. با شروع به کار مجلس، یکی از قوای سه گانه تأسیس می شد و از آن جا که اختیارات تأسیس و نظارتی فراوانی بدان اختصاص یافته بود،^(۱) می توانست از لحاظ عملی نظام سیاسی را رسمیت بخشد. نیروهای سیاسی چهارگانه، با وقوفی که به جایگاه مجلس داشتند، بر خلاف دوره های انتخاباتی گذشته که با «اما و اگر» با آنها روبه رو شدند، از نیمه ی دوم بهمن ماه ۱۳۵۸ به طور وسیع و فراگیری آمادگی خود را برای انتخابات مجلس اعلام کردند. غیر از برخی گروه های سیاسی که اهمیت نسبی چندانی نداشتند و انتخابات را تحریم کردند، اعلام آمادگی چهار نیرو حدود بیش از یک ماه در آخر سال ۱۳۵۸ فضای سیاسی کشور را به شدت انتخاباتی کرد. چهار نیرو هدف اصلی خود را از تلاش برای راهیابی به مجلس نیز پنهان نکردند. این اعلام رسمی و آشکار مواضع، حاکی از اهمیت مجلس برای نیروهای سیاسی بوده است.

در گام اول تلاش برای در اختیار گرفتن مجلس، هر یک از گروه های سیاسی ضمن اعلام هدف خود، گروه های سیاسی هم مسلک خود را به مشارکت در این تلاش فرا خواندند. برای مثال سازمان پیکار (از نیروی چپ) بر پایه ی تحلیل از این واقعیت، که توده های میلیونی طرفدار هیئت حاکمه و در انتخابات شرکت خواهند کرد، تحریم انتخابات را چپ روی کودکانه دانست و شرکت در انتخابات را ضروری شمرد.^(۲) سازمان چریک های فدایی خلق با این تحلیل که پیروی توده ها از نیروی مذهبی ناآگاهانه است، شرکت در انتخابات را فرصتی برای آگاهی دادن به توده ها دانست و همه ی نیروهای ترقی خواه و ضد امپریالیست را (که گروه های چپ گرا باشند) به شرکت در انتخابات فرا خواند،^(۳) مجاهدین خلق از موضعی انتقادی با قضیه برخورد کرد، ضمن این که اعلام کرد اختیارات نمایندگی بسیار بسیار محدود است؛ اما تأکید کرد که می توان با شرکت در مجلس، به احقاق حقوق خلق پرداخت؛ حال اگر موفق به راهیابی به مجلس شد که «هر کرسی مجلس را به سنگری تبدیل خواهیم کرد برای تحقق تک تک مواد

۱. مراجعه شود به: قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصول هفتاد و یکم و هفتاد و ششم

۲. بررسی مستندی از مواضع گروه ها در قبال انقلاب اسلامی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۲۶

۳. همان، ص ۲۷

برنامه‌ی انقلاب رهایی‌بخش و اگر هم نگذاشتند برای افشاگری»،^(۱) حتی حزب دموکرات کردستان از فرصت پیش آمده استقبال کرد و با هدف به لرزه در آوردن سنگر امپریالیسم و ارتجاعیون هم‌مسلمانان خویش را به شرکت در انتخابات تشویق کرد،^(۲) جنبش مسلمانان مبارز با حالتی انتقادی با موضوع برخوردکرد و اعلام داشت که گرچه تشکیل مجلس بدون تحقق اولیه‌ی نظام شورایی در کشور کافی نیست، انتخابات فرصتی است برای افشاگری علیه سایر جریان‌ها،^(۳) نیروهای لیبرال هدف خود را از شرکت در انتخابات سربلندی ایران،^(۴) باز کردن راهی برای خدمت به خدا و خلق و خاتمه دادن به جنجال‌ها و درگیری‌های خیابانی از طریق مجلسی که گروه‌های اقلیت نیز در آن حضور داشته باشند و بتوانند با حسن تفاهم، آزادانه نظرهای خود را به صورت مسالمت‌آمیز بیان نمایند و از این طریق موجبات تثبیت اوضاع را فراهم آورند،^(۵) نیروی مذهبی ضمن این‌که شرکت در انتخابات را به دلیل فتوای رهبر انقلاب اسلامی^(۶) و وظیفه‌ی شرعی خود می‌دانست، انتخابات را گامی بلند در تحکیم انقلاب اسلامی قلمداد می‌نمود.^(۷)

اعلام این‌گونه مواضع، تلاش برای دستیابی به مجلس را جدی‌تر ساخت. این تلاش وقتی به اوج خود رسید که پیش‌نویس قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی به وسیله‌ی شورای انقلاب تهیه و منتشر شد. مواردی در پیش‌نویس قانون انتخابات وجود داشت که موجب فضا سازی سیاسی گروه‌ها گردید: منطقه‌ای شدن انتخابات تهران، اکثریت مطلق برای انتخاب شدن در مرحله‌ی اول، اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی و ابراز وفاداری به قانون اساسی به منزله‌ی یکی از شرایط انتخاب شوندگی، محرومیت نمایندگان مجلسین از انتخاب شدن، محرومیت شاغلین عالی‌مقام رژیم گذشته در محدوده‌ی زمانی ۱۵ خرداد ۴۲ تا ۲۲ بهمن ۵۷ از انتخاب شدن و پذیرش داوطلبی به شرط امضای ۲۰ معتمد

۱. همان، ص ۲۸

۲. همان، ص ۲۷

۳. همان، ص ۲۸

۴. اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۱/۲۵، ص ۱۲

۵. اطلاعات، ۱۳۵۹/۲/۱۷، ص ۱

۶. امام خمینی، صحیفه‌ی نور، ج ۱۲، صص ۳-۴

۷. اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۲۶، ص ۱۲

محل، مهم‌ترین موارد اختلافی بود. سه نیروی لیبرال، چپ و التقاطی در مجموع، شرایط فوق‌الذکر را قیودی محدودکننده دانستند که توسط نیروی مذهبی وضع شده است. در حالی که نیروی مذهبی درباره‌ی لزوم اجرای طرح منطقه‌ای شدن معتقد بود که نمایندگان مجلس باید کاملاً توسط مردم شناخته شده باشند و توسط تبلیغات و عوام‌فریبی انتخاب نشوند و تهران شهر بزرگی است و بیشترین تعداد نماینده را دارد و مرکز فعالیت بیشتر گروه‌ها در این شهر قرار دارد و امکان این‌که از راه عوام‌فریبی نامزدهای ناشناخته‌ای وارد مجلس گردند زیاد است؛ ولی با این طرح می‌توان به تعداد تقریبی هواداران گروه‌ها پی برد. جاما، جبهه‌ی ملی، سازمان مجاهدین خلق، جنبش مسلمانان مبارز، حزب توده، حزب کارگران سوسیالیست و چریک‌های فدایی خلق هر یک به زبانی آن را «تنگناهای جدیدی در راه هماهنگی مردم»،^(۱) «محدودیت»،^(۲) و «شیوه‌ی ضد دموکراتیک در انتخابات و خارج‌کننده‌ی انتخابات از روال آزاد»^(۳) خواندند و در اعتراض به آن، تبلیغات وسیعی به راه انداختند؛ طوری که شورای انقلاب، یکی از دلایل لغو طرح را اعتراض گروه‌های سیاسی اعلام کرد.^(۴) در عین حال حزب جمهوری اسلامی عقیده داشت:

«چقدر خوب بود طرح منطقه‌ای انتخابات اجرا می‌شد تا مشخص می‌شد کدام چهره‌ها مدافع کدام طبقات هستند.»^(۵)

نیز در حالی که نیروی مذهبی برای مثال درباره‌ی معیار کسب اکثریت مطلق آرا برای انتخاب شدن در مرحله‌ی اول اعتقاد داشت که نماینده‌ی مجلس باید نماینده‌ی اکثریت مردم باشد،^(۶) سه نیروی سیاسی دیگر به بیان‌های مختلف آن را ابزاری برای «حذف گروه‌های ضعیف‌تر»،^(۷) «مخالفت با آزادی»،^(۸) «تبعیض و اعمال نفوذ در آرای

۱. جاما، اطلاعات، ۱۳/۱۱/۱۳۵۸، ص ۱۲

۲. جبهه‌ی ملی، اطلاعات، ۲۰/۱۱/۱۳۵۸، ص ۲

۳. بررسی مستندی از مواضع گروه‌ها در قبال انقلاب اسلامی، ص ۲۹

۴. اطلاعات، ۱۶/۱۱/۱۳۵۸، ص ۱۱

۵. جمهوری اسلامی، ۲۶/۱۳/۱۳۵۸، صص ۱ و ۲

۶. محمدرضا مهدوی کنی، اطلاعات، ۵/۱۲/۱۳۵۸، ص ۱۰

۷. اطلاعات، ۲۱/۱۱/۱۳۵۸، صص ۴ و ۷

مردم»^(۹)، «هرچه محدودتر کردن فعالیت انتخاباتی و مشارکت نیروهای انقلابی و ترقی خواه»^(۱۰) «حذف نیروهای مترقی»^(۱۱) «تبدیل انتخابات به صحنه رقابت‌های تلافی جویانه و انحصار طلبانه»^(۱۲) و «عدم حضور گروه‌های متفاوت در مجلس»^(۱۳) می‌دانستند. به علاوه مجاهدین خلق این طرح را دست‌پخت مشترک یاران قدیم (یعنی لیبرالیسم و ارتجاع) اعلام کردند.^(۱۴)

در حالی که نیروی مذهبی معتقد بود که چون نمایندگان باید در مجلس براساس قانون اساسی عمل کنند، ابراز وفاداری به قانون اساسی و اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی از خصوصیات ضروری هر نماینده است،^(۱۵) نیروهای دیگر این دو را مصداق بارز تفتیش عقیده می‌دانستند.^(۱۶)

همچنین در حالی که درخصوص محدوده‌ی زمانی ۱۵ خرداد ماه ۱۳۴۲ تا ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ برای اشتغال مقامات عالی‌رتبه‌ی رژیم سابق، نیروی مذهبی اصرار داشت که به دلیل ماهیت اسلامی قیام، رهبری امام برای نهضت، شروع قیام امام از ۱۵ خرداد ۴۲ و اقدام شاغلین عالی‌مقام رژیم گذشته در این سال‌ها علیه نهضت مقطع محرومیت این سال باشد، نیروی لیبرال تلاش می‌کرد مبدأ محرومیت را به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ گسترش دهد و دلیلش این بود که مبارزات ملی مردم از آن زمان علیه رژیم شاه آغاز شده است.^(۱۷)

نیز درباره‌ی امضای ۲۰ نفر معتمد محل برای آغاز نامزدی، در حالی که نیروی مذهبی عقیده داشت که نماینده باید فردی باشد که به خوبی و نیکی اشتهار داشته باشد

۸. جبهه‌ی ملی، اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۱/۲۴، ص ۵

۹. گروه سیاسی ایران امروز، اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۱/۲۴، ص ۵

۱۰. مجاهدین خلق، اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۱/۲۴، ص ۵

۱۱. جبهه‌ی دموکراتیک ملی، اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۱/۲۵، ص ۱۲

۱۲. حزب رنجبران، اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۱/۲۸، ص ۲

۱۳. جنبش مسلمانان مبارز، اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۶، ص ۲

۱۴. مجاهدین خلق، اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۶، ص ۲

۱۵. مهدوی کنی، جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۱۲/۱۶، ص ۱

۱۶. هما، اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۱/۲۸، ص ۸

۱۷. همان‌جا

و صرف نمایندگی هدف نیست، بلکه ایفای وظایف نمایندگی مطمح نظر است، که آن‌هم جز با داشتن آن خصوصیات که مورد تأیید افراد موثق و مورد اعتماد باشد میسر نیست، نیروهای دیگر معتقد بودند تعیین صلاحیت نامزدها باید با مردم باشد.^(۱)

به نظر می‌رسد که نیروهای غیرمذهبی که پیش‌تر سه شکست را در مسابقه تجربه کرده بودند، در این مرحله در مخمصه‌ای جدی خود را گرفتار می‌دیدند. از یک طرف این آخرین سنگری بود که می‌بایست به هر قیمت شده آن را تصاحب می‌کردند؛ چرا که یا می‌توانستند وارد مجلس شده، یا می‌بایست به حذف خود از صحنه تن می‌دادند؛ در غیر این صورت این قیود، که طبیعی هر انتخاباتی بود، (حتی در نظام‌های سیاسی مطلوب نیروهای غیرمذهبی)، خدشه‌ناپذیر می‌نمود؛ اما دستاویزی مناسب برای به‌دست‌گیری افکار عمومی نیز فراهم می‌کرد. از سوی دیگر این نیروها در آن زمان تبعیت افکار عمومی را از نیروی مذهبی به عینه مشاهده می‌کردند و در وهله‌ی اول راهی جز پافشاری تبلیغاتی بر این مورد نمی‌دیدند. حزب جمهوری اسلامی نیز سعی می‌کرد به نیروهای رقیب خود به زیان خودشان نشان دهد که حمایت توده‌ی مردم را ندارند. نمونه‌ی چنین برخوردی پاسخی است که حزب به اعتراض برخی گروه‌های چپ‌گرا به حاکمیت معیار اکثریت مطلق برای انتخاب شدن در مرحله‌ی اول داده است: «خلق‌ها مدافع طبقات زحمتکش خلق، یعنی اکثریت مطلق خلق، می‌باشند و از طرف دیگر به گفته‌ی خود آن‌ها، خلق آگاهانه انتخاب می‌کند و دوست و دشمن را به خوبی تشخیص می‌دهد. در نتیجه اکثریت خلق، مدافع واقعی منافع خود و دوستان حقیقی خود است. یعنی خلق‌ها را تشخیص می‌دهد و برمی‌گزیند. در نتیجه بنا بر فرضیه‌های خلق‌ها، طرح اکثریت مطلق به نفع آن‌ها می‌باشد و مخالفت آنان با این طرح مایه‌ی تعجب است.»^(۲)

مجموعه‌ی تلاش نیروهای سیاسی سه‌گانه‌ی غیرمذهبی تنها توانست بر عدم تصویب منطقه‌ای شدن انتخابات تهران در شورای انقلاب تأثیر گذارد، اما اکثریت

۱. اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۱/۲۱، صص ۴ و ۷

۲. حزب جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۱۲/۲۶، صص ۱ و ۲

شورای انقلاب سایر شرایط را در قانون انتخابات تصویب کرد. عدم توفیق نیروهای مزبور در الفای شرایط مورد اختلاف، آنان را واداشت تحت همین شرایط به مبارزه‌ای رو در رو در مراحل بعدی بپردازند؛ ضمن این‌که دو تشکل مهم نیروی مذهبی، جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران و حزب جمهوری اسلامی، ابتدا جداگانه معیارهای خود را برای انتخاب نامزدهای مجلس اعلام نمودند. جامعه‌ی روحانیت دارا بودن ایمان، تقوای فکری و عملی، تعهد به اجرای قانون اساسی و نقش قانون اساسی، آگاهی از مسایل سیاسی و انقلابی، قاطع و شجاع بودن، التزام به هیچ نوع سازشی با شرق و غرب، حمایت از کلیه‌ی نهضت‌های رهایی‌بخش، تعهد به همکاری با رئیس‌جمهور و جلوگیری کردن از انحراف مسئولان را شرط کرد^(۱) و حزب جمهوری اسلامی شرایط جامعه را تکمیل کرد؛ نامزد مورد نظر حزب می‌بایست از نظر سیاست داخلی درک صحیح وحدت کلمه و وحدت عمل داشته باشد و در ایجاد هماهنگی کامل بین نیازهای مشروع جامعه و امکانات موجود براساس حفظ قاطع خط امام و پیروی دقیق از آن، که مبارزه با استکبار و استضعاف باشد، تلاش نماید و از نظر سیاست خارجی پیرو سیاست نه شرقی نه غربی باشد.^(۲)

گام اول یارگیری از میان نیروی مذهبی با عملی‌سازی پیشنهاد جامعه به وسیله‌ی حزب تکمیل شد. جامعه‌ی روحانیت پیشنهاد کرد «برای پیروزی کامل جمهوری اسلامی کلیه‌ی گروه‌ها و احزاب اسلامی و نهادهای انقلابی و نمایندگان قشرهای ملت ائتلاف نمایند». حزب جمهوری اسلامی ائتلافی بزرگ از جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، انجمن اسلامی معلمان، نهضت زنان مسلمان، سازمان فجر اسلام، اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی شهرری و بنیاد الهادی در تهران تشکیل داد، اما نامزدهای خود را در شهرستان‌ها حفظ نمود. این هم‌بستگی انتخاباتی به ائتلاف بزرگ مشهور شد.^(۳)

در میان نیروی لیبرال، نهضت آزادی تحت عنوان گروه همنام برای انتخابات مجلس

۱. اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۱/۲۷، ص ۱

۲. اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۱۷، ص ۲

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۱۲/۲۲، صص ۱ و ۲

نامزد معرفی کرد و سایر گروه‌های این نیرو نیز تنها برای تهران و برخی دیگر برای تهران و شهرستان‌ها نامزد معرفی کردند.^(۱)

از نیروی چپ‌گرا، حزب توده و دیگر گروه‌های مرتبط و از نیروی التقاطی نیز مجاهدین خلق و دیگر گروه‌ها برای انتخابات مجلس نامزد معرفی نمودند.^(۲)

در این میان رییس جمهور وقت با هدف در دست داشتن اکثریت مجلس و با این شعار که هیچ کس حق معرفی وکیل برای مردم ندارد، از طریق دفتر هماهنگی و همکاری‌های مردم با رییس جمهور - که به خود وی تعلق داشت و محل غیررسمی تجمع نیروهای مقابل نیروی مذهبی بود - به تشکیل کنگره‌ی انقلاب اسلامی اقدام کرد. گرچه دفتر رییس جمهور به‌طور رسمی اعلام کرد که در انتخابات نامزد معرفی نخواهد کرد، امکان حمایت خود را نیز از برخی نامزدها نفی نکرد. این کنگره که احتمالاً در مقابل ائتلاف بزرگ نیروی مذهبی برپا می‌شد، طوری برنامه‌ریزی شده بود که بخش‌هایی از نیروهای احتمالی ائتلاف را به خود جذب می‌کرد. این جذب در پوشش مشارکت دادن متعهدین و روحانیت مبارز شهرستان‌ها و مهم‌ترین مراکز انقلابی، یعنی مساجد، در شکل‌دهی به اجلاس‌های ایالتی انجام می‌گردید.

براساس طرح دفتر هماهنگی بنی‌صدر، مردم در اجلاس‌های ایالت خود به ازای هر کرسی مجلس، از هر محل ۱۵ نفر را انتخاب می‌کردند که سه نفر از آنها باید شرایط انتخاب شدن برای مجلس را داشته باشند. اجلاس‌های ایالت به دعوت عام مبارزان، متعهدان، روحانیت مبارز شهرستان‌ها و استان‌ها در مسجد بزرگ شهر تشکیل می‌شد و در این اجلاس مردم نمایندگان خود را برای شرکت در کنگره‌ی انقلاب اسلامی انتخاب می‌کردند. افرادی که به این ترتیب انتخاب می‌شدند به تهران می‌آمدند و در کنگره‌ی انقلاب اسلامی، که در اواخر بهمن‌ماه تشکیل می‌شد، شرکت می‌کردند و از بین خود کاندیداهایی انتخاب می‌کردند و پس از بازگشت به محل خود، آنها را به مردم معرفی می‌کردند و مردم به آنها رأی می‌دادند.^(۳)

۱. اطلاعات، ۱۳۵۹/۳/۳، ص ۲

۲. اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۱/۲۴، صص ۸ و ۱۰

۳. اطلاعات، ۱۳۵۹/۵/۱، ص ۱

مشکل مهمی که در مقابل دفتر هماهنگی بنی صدر وجود داشت، جلب حمایت جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران بود که مؤسس ائتلاف بزرگ بود؛ از این روی دفتر هماهنگی بنی صدر در ظاهر اعلام کرد که کنگره را برای مطالعه و اظهار نظر در مسایل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تشکیل می‌دهد.

به گزارش دبیر وقت جامعه‌ی روحانیت، در جامعه دو پیشنهاد درباره‌ی این کنگره مطرح شد: اداره‌ی کنگره به وسیله‌ی جامعه یا شرکت جامعه در کنگره که پیشنهاد دوم تصویب شد. جامعه در کنگره شرکت کرد و یکی از اعضای خود (خسروشاهی) را به ریاست کنگره و دبیر وقت جامعه‌ی روحانیت (حجة الاسلام شهید فضل الله مهدی زاده محلاتی) را به نایب ریاست اول رساند.

هنگام تشکیل کمیسیون‌های کنگره، که دفتر هماهنگی تلاش کرد خود را به اجرا گذارد، نایب رئیس کنگره به استناد هدف تشکیل کنگره، با انتخاب نامزد مخالفت کرد و طرح دفتر هماهنگی بنی صدر را به شکست کشاند:

«... روز دوم اعلام کردند بر این که نظریات خودتان را درباره‌ی کاندیداها اعلام کنید. من دیدم این‌ها نقشه‌شان این است، سریع در آنجا اعلام کردم که جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران که ما را فرستاده به عنوان نمایندگی حق تعیین کاندیدا نداریم. شماها را هم که اگر از شهرستان‌ها دعوت کرده‌اند، دعوت نکرده‌اند از برای تعیین کاندیدا، شما حق چنین وکالتی ندارید، شما دعوت شده‌اید فقط برای نظریه‌دادن در مسایل اقتصادی و فرهنگی و مسایل اجتماعی و سیاسی. ما برنامه‌ی این‌ها را در واقع به هم زدیم. سلامتیمان را کاردش می‌زدی خونس در نمی‌آمد.»^(۱)

دفتر هماهنگی بنی صدر گرچه از راه کنگره موفق به معرفی نامزد برای مجلس نگردید، برخی نامزدها را مورد حمایت خود قرار داد.

سرپرست وقت وزارت کشور، حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، که نامزد نمایندگی از تهران بود، با اظهار این که «چون جامعه‌ی ما دچار بحران روابط اجتماعی است که

کوچک‌ترین احتمالی به سوءظن تعبیر می‌شود، احتمال دارد که انتخابات ما را مخدوش جلوه دهند و بگویند مجری خودش کاندیدا بوده است»^(۱) برای برگزاری انتخابات استعفا داد و آیت‌الله مهدوی کنی وزارت کشور را برعهده گرفت.

از زمان شروع بحث انتخابات مجلس تا ۲۴ اسفند ماه، زمان برگزاری انتخابات، اغلب مناطق ایران، به‌خصوص شیراز، میانه و قائم‌شهر شاهد درگیری‌های لفظی و مسلحانه^(۲)، اعتصابات و تحصن‌های مختلف بود و حتی صبح روز برگزاری انتخابات، در دفتر روزنامه‌ی بامداد در تهران و مقابل رستورانی در عباس‌آباد تهران، دو بمب منفجر شد، در قروه، بهار همدان، سقز، بانه، مریوان و سنندج به دلیل درگیری و اعتصاب غذا انتخابات متوقف شد، در چند شهر فارس از جمله اقلید، فیروزآباد، قیر و کازین ۴۶ صندوق رأی‌گیری به آتش کشیده شد^(۳) بازاریان کرمانشاه در اعتراض به نحوه‌ی برگزاری انتخابات تحصن کردند و در خلخال اعتراض‌کنندگان در اعتراض به نحوه‌ی برگزاری انتخابات، فرماندار و اعضای انجمن نظارت را به گروگان گرفتند.^(۴)

نتیجه‌ی انتخابات، راهیابی ۱۸ نامزد از تهران و ۷۹ نامزد از شهرستان‌ها بود. در میان ۷۹ نامزد پیروز از شهرستان‌ها، از حوزه‌ی انتخابیه‌ی درگز دکتر ابوالفضل قاسمی از حزب ایران و از حوزه‌ی انتخابیه‌ی کرمانشاه، دکتر کریم سنجابی از جبهه‌ی ملی به پیروزی دست یافتند. در مقابل این دو نفر که به جناح لیبرال تعلق داشتند، ۹۵ نفر از جناح مذهبی بودند. ضمن این‌که انتخابات به دور دوم کشیده شد، نتیجه‌ی انتخابات نیز مورد اعتراض نیروی چپ، التقاطی، به‌خصوص سازمان مجاهدین خلق - که نتوانسته بود حتی یک نامزد به مجلس بفرستد و تنها در برخی شهرستان‌ها نامزدهایش به مرحله‌ی دوم رسیده بودند - و لیبرال قرار گرفت.

مرحله‌ی دوم انتخابات در ۱۹ اردی‌بهشت ماه، با حضور نامزدهای دست‌یافته به اکثریت نسبی و رأی‌دهندگانی برگزار شد که در مرحله‌ی اول شرکت کرده بودند. این

۱. اکبر هاشمی رفسنجانی، اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۶، ص ۲

۲. اطلاعات، ش ۱۶۸۰۱، ۱۳۵۸/۱۲/۴، صص ۱ و ۲ و ۳

۳. اطلاعات، ش ۱۶۰۹۹، ۱۳۵۸/۱۲/۲۵، صص ۱ و ۲

۴. اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۲۶، ص ۱۲

انتخابات در حالی برگزار شد که از زمان برگزاری مرحله‌ی اول تا زمان برگزاری مرحله‌ی دوم، هم‌چنان تظاهرات، اعتصابات و درگیری‌های مسلحانه‌ی پراکنده ادامه داشت و حتی به دلیل وخامت اوضاع شهرهای پاوه، میان‌دوآب، ماکو، سنندج، سقز، بانه، مریوان، فیروزآباد فارس، نقده، بندر لنگه، بهار همدان، بویر احمد، قطور، فریدن، هشتروند، بستان‌آباد، ورزقان، مغان، چابهار، درگز و شیروان در آن‌ها انتخابات مرحله‌ی دوم برگزار نشد. در عین حال نتیجه‌ی انتخابات به سود نیروی مذهبی بود.

در بررسی شکایت‌های انتخاباتی، در برخی حوزه‌ها مانند کرمانشاه انتخابات باطل شد و نیز در حوزه‌ی درگز، با مشخص شدن ارتباط نامزد پیروز با ساواک، وی از راهیابی به مجلس بازماند. در عین حال در حالی که گروه‌های مختلف چهار نیرو، یک‌دیگر را به تقلب متهم می‌کردند،^(۱) کلیت انتخابات در پایان اردی‌بهشت ماه ۱۳۵۹ تأیید شد. گزارش یکی از روزنامه‌های سال ۱۳۵۹ درباره‌ی فراکسیون‌های مجلس تا حد زیادی مقرون به صحت است که «فراکسیون ائتلاف بزرگ، بزرگ‌ترین فراکسیون مجلس اول با حدود ۸۵ نماینده متعلق به نیروی مذهبی، فراکسیون هم‌نام متعلق به نهضت آزادی از نیروی لیبرال با حدود ۲۰ نماینده، فراکسیون دفتر همکاری‌های مردم با رئیس‌جمهوری، متعلق به هواداران بنی‌صدر از نیروی لیبرال با حدود ۳۳ نماینده و منفردها با داشتن حدود ۱۱۵ نماینده ترکیب مجلس اول»^(۲) را ایجاد کردند. اولین اقدام مجلس که در تعامل با رئیس‌جمهور وقت، برای تعیین نخست‌وزیر صورت گرفت، حاکی از همراهی منفردها با فراکسیون ائتلاف بزرگ بود؛ و به‌طور تقریبی، همیشه حداقل $\frac{۲}{۳}$ کل نمایندگان با فراکسیون مزبور همراهی می‌کردند.

ه: انتخاب اولین نخست‌وزیر

وقتی اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی در هفتم خردادماه ۱۳۵۹ گشایش یافت، یک گام به تکمیل نهادهای نظام باقی‌مانده بود و آن هم انتخاب نخست‌وزیر برای تشکیل

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۱۲/۲۶، صص ۴ و ۹

۲. اطلاعات، ۱۳۵۹/۳/۳، ص ۲

کابینه بود تا قوه‌ی مجریه بتواند در حالتی دائمی آغاز به کار نماید. نظر به این‌که قانون اساسی قبل از اصلاح سال ۱۳۶۸، پنج اصل از فصول قوه‌ی مجریه^(۱) را به‌طور مستقیم به نخست‌وزیر اختصاص داده بود و در سایر فصول و اصول نیز به تناسب سمتی که نخست‌وزیر داشت اختیارات و وظایفی به وی تعلق می‌گرفت، مسئولیت واقعی قوه‌ی مجریه بر عهده‌ی نخست‌وزیر قرار می‌گرفت و در مقابل رییس‌جمهور حالتی فرمایشی و صوری می‌یافت.

غیر از این‌که نخست‌وزیر پس از رأی اعتماد مجلس، نامزدی و صدور حکم نخست‌وزیری خود را از رییس‌جمهور داشت، شروع و تداوم کار نخست‌وزیر یا عزل خود را بیشتر متوجه مجلس می‌دانست؛ زیرا مطابق اصل ۱۲۴ قانون اساسی قبل از اصلاح، رییس‌جمهور فردی را برای نخست‌وزیری نامزد می‌کرد و پس از کسب رأی تمایل مجلس برای وی حکم نخست‌وزیری صادر می‌کرد. درست است که پیشنهاد وزیران به مجلس یا عزل آنان با تصویب رییس‌جمهور ممکن می‌شد، اما ریاست هیئت وزیران و مسئولیت اقدامات هیئت وزیران در برابر مجلس به عهده‌ی نخست‌وزیر بود. مهم‌تر آن‌که مطابق اصل ۱۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی قبل از اصلاح، نخست‌وزیر تا زمانی که مورد اعتماد مجلس بود، در سمت خود باقی می‌ماند. این‌ها همگی مبین قدرت فراوان مجلس در تعیین نخست‌وزیر بود و تقریباً باید رییس‌جمهور با مجلس به توافق می‌رسید.

اولین رییس‌جمهور برای تعیین نخست‌وزیر، در مقابل مجلسی قرار داشت که اکثریت آن، علی‌رغم قول همکاری با رییس‌جمهور، با وی در معیارهای تعیین نخست‌وزیر همفکر نبودند. ظاهر امر این بود که رییس‌جمهور باید با مجلس (حداقل در این مورد خاص) هماهنگ باشد، چون مجلس به‌طور قانونی عمده‌ی اختیارات تقنینی و نظارتی را دارا بود.

علی‌رغم این‌که در روزهای اول شروع به کار مجلس اول، روح حاکم بر مجلس همکاری بود، روشی که رییس‌جمهور برای تعیین نخست‌وزیر در پیش گرفت، به

۱. مراجعه شود به: قانون اساسی جمهوری اسلامی (قبل از اصلاح)، اصول ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۶

شعله‌ور شدن آتش‌های زیر خاکستر، که با رهبری امام (ره) مهار شده بود، کمک کرد. رئیس‌جمهور تاکتیک خلع سلاح نیروی مذهبی مستقر در مجلس را در پیش گرفت. شعار نیروی مذهبی، پیروی از امام خمینی (ره) و ارادت به ایشان بود. با عنایت به همین نکته، رئیس‌جمهور فرزند امام (ره) را اولین نامزد نخست‌وزیری در نظر گرفت و طی نامه‌ای مستقیم به امام (ره) با گفتن این‌که «... حجة الاسلام حاج احمد آقا یکی از مناسب‌ترین اشخاص برای تصدی نخست‌وزیری است در صورتی که موافقت فرمایید عین صواب است»،^(۱) تلاش کرد فراکسیون اکثریت را در مقابل عمل انجام شده قرار دهد. پاسخ منفی امام به رئیس‌جمهور، که در جمله‌ی «بنا ندارم اشخاص منسوب به من متصدی این امور شوند»،^(۲) بیان شد، در عین حال که وی را در وضعیت دشوارتری قرار داد، وی را وادار به تلاشی دیگر کرد.

با وجود این به نظر می‌رسد فرض رئیس‌جمهور این بوده که پاسخ امام هر چه باشد به نفع اوست، زیرا اگر پاسخ مثبت می‌بود شکست نیروی رقیب قطعیت می‌یافت و مطلوب وی حاصل می‌شد. نیز اگر پاسخ منفی بود، رئیس‌جمهور در افکار عمومی خود را فردی نشان می‌داد که تسلیم اوامر امام است و همین از بار حمله‌ها و انتقادهای نیروی رقیب بر ضد وی می‌کاست، زیرا بدین ترتیب از راه قانونی به انتخاب نخست‌وزیر مبادرت نموده بود. علاوه بر آن به نظر بنی‌صدر، توجه به فرزند امام (ره) می‌توانست او را در پیشبرد اهداف خود موفق‌تر نماید.

با ناکامی حاصله در این مرحله، رئیس‌جمهور با هدف خلع سلاح اکثریت مجلس و با آگاهی از این‌که نامزد اول حزب جمهوری اسلامی برای نخست‌وزیری جلال‌الدین فارسی است، مصطفی میرسلیم، از اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی را برای نخست‌وزیری به مجلس معرفی کرد.^(۳) گفته‌ی بنی‌صدر دایر بر این‌که «... یک عده‌ای معین شده بودند و من پس از دویار صحبت کردن با آقای میرسلیم امیدوار شدم که بلکه ایشان بتوانند معرف یک تفاهمی بشوند و او را معرفی کردم، البته ملاحظه‌ی جو

۱. انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۱، ص ۱

۲. صحیفه‌ی امام، ۱۳۵۹/۵/۱

۳. انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۲، ص ۱